



حقوق جنین آزمایشگاهی

سعید صدیق

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
123z456a78@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از موضوعات مهمی که در دهه های اخیر در پزشکی ظهور یافته و مباحث متعدد حقوقی و اخلاقی زیادی را به دنبال داشته، تولید جنین های آزمایشگاهی است. از جنین های آزمایشگاهی برای باروری زوجین نابارور استفاده می شود اما در هر دوره ی باروری جنین های مازاد نیاز زوجین به وجود می آید که علاوه بر امکان نگهداری آنها به صورت منجمد، می توان از آنها در امور تحقیقاتی، درمانی، باروری زوجین نابارور دیگر و خرید و فروش استفاده کرد.

روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد.

یافته ها و نتیجه: مشخص نبودن وضع حقوقی جنین آزمایشگاهی و عدم وجود قانون مدون در مورد تولید، نگهداری و استفاده از آنها، چالش ها و ابهاماتی را در این زمینه به دنبال داشته است و بیم آن می رود از این جنین ها برای تجارت و سودجویی های مالی استفاده شود و تا هنگامی که وضع حقوقی جنین آزمایشگاهی توسط قانون گذار به طور دقیق تعیین نشود نمی توان در مورد آن تصمیم گرفت. به همین علت در این مقاله این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و براساس آیات و روایات نظریه ی جدید شخصیت بالقوه یا شخصیت تبعی جنین از زمان انعقاد نطفه حتی در محیط آزمایشگاه ثابت شده است.

کلید واژگان: جنین، جنین آزمایشگاهی، شخصیت جنین، ولوج روح، تجارت جنین، اسپرم و تخمک



مقدمه

استفاده از تکنیک های باروری خارج رحمی سبب باروری تخمک و تشکیل رویان در محیط آزمایشگاه میگردد. در این روش ها پس از برداشت و جمع اوری اسپرم و تخمک و آماده سازی آنها در محیط آزمایشگاه، لقاح انجام شده و سپس رشد و تکامل برای مدت کوتاهی در محیط کشت ادامه پیدا میکند. در نهایت جنین به بدن زن منتقل می شود تا بقیه ی مراحل تکامل در داخل رحم صورت گیرد. طی کردن این مراحل در محیط آزمایشگاه به جای داخل بدن زن سبب گردیده که به جنین مذکور مادامی که در محیط آزمایشگاه است جنین آزمایشگاهی گفته شود. ویژگی خاص جنین آزمایشگاهی یعنی تشکیل در محیط آزمایشگاه ابهاماتی در مورد ماهیت این جنین ها به دنبال داشته و این نکته را به ذهن متبادر میکند که جنین آزمایشگاهی با جنین موجود در رحم از لحاظ ماهیت و حقوق شباهتی ندارد. در مورد ماهیت جنین آزمایشگاهی دیدگاه های مختلفی مطرح شده است. در حالی که در یک نظر جنین آزمایشگاهی مال است، در دیدگاه دیگر جنین از زمان انعقاد نطفه تا ولوج روح یک شخص یا انسان بالقوه محسوب می شود که البته هر یک این نظرات می تواند موافق و مخالفانی داشته باشد. با توجه به این که قائل شدن به هر یک از این دیدگاه ها آثار و حقوق متفاوتی را برای جنین آزمایشگاهی به دنبال دارد باید ماهیت جنین از زمان انعقاد نطفه مشخص شده و بررسی شود آیا ماهیت جنین داخل رحم در مورد جنین آزمایشگاهی نیز تسری پیدا میکند یا جنین آزمایشگاهی به علت به وجود آمدن در محیط خارج رحم با جنین داخل رحمی تفاوت ماهوی دارد.

۱- برخورداری جنین آزمایشگاهی از شخصیت حقوقی

۱-۱. تعریف شخصیت

در اصطلاح حقوقی، شخص موجودی است که دارای حق و تکلیف است. هر شخصی دارای زندگی حقوقی است و می تواند در این زمینه با اعمال حقوقی و انجام دادن تکالیف خود نقش ایفا کند؛ بنابراین شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای آیین که طرف و صاحب حق و تکلیف باشد. قانون گذار تعیین می کند که چه موجوداتی صاحب حق و تکلیف و دارای شخصیت هستند^۱ در همین راستا، به موجب قانون^۲ هر یک از افراد انسان در جامعه دارای شخصیت حقوقی هست و می تواند به وسیله ی آن دارای حق و تکلیف گردد و آن را اجرا نماید. این قابلیت در اصل از طرف خداوند به اعتبار طبیعت انسانی در او به ودیعه گذاشته شده است و بدین جهت انسان را شخص طبیعی می نامند^۳.

۱-۲. زمان آغاز شخصیت در آیات و روایات

تشخیص زمان آغاز حیات و تکوین شخصیت حقوقی انسان، دارای اهمیت ویژه ای در روابط حقوقی است، چرا که از این تاریخ است که حیات انسانی شروع شده و شخص مورد حمایت کامل قانون گذار قرار می گیرد. در بین فقها و حقوق دانان در این که جنین در کدامیک از مراحل تکاملی خود از حقوق برابر با سایر افراد برخوردار است، اختلاف نظر وجود دارد و در پاسخ به این سؤال که حیات انسانی از چه زمانی آغاز شده و منشأ آثار حقوقی میگردد، دیدگاه های مختلفی را مطرح کرده اند.

مانند تشکیل نطفه (به طور قانونی یا غیر قانونی، اعم از اینکه در رحم استقرار یافته یا نیافته باشد)، استقرار در رحم، ولوج روح در جنین، زنده متولد شدن و قابلیت زنده ماندن بعد از ولادت، همه از نظریه های قابل طرح در این باره است. تشخیص این که کدام یک از این نظریه ها صحیح است و جنین در چه مرحله ای دارای شخصیت حقوقی است، در مورد ماهیت جنین آزمایشگاهی نیز اثر دارد. به عنوان مثال در بین نظریات چنانچه به این نتیجه برسیم که از زمان انعقاد



نطفه، شخصیت حقوقی جنین نیز شروع میشود، باید با جنین در آزمایشگاه نیز مانند یک انسان کامل رفتار شود و هرگونه تصمیم گیری در مورد آن باید با در نظر گرفتن کرامت انسانی و حقوق مربوطه باشد؛ اما در مقابل قائل شدن به هر یک از نظریات دیگر، فاصله ی بین انعقاد نطفه تا برخورداری از شخصیت را با ابهام خاصی روبه رو می کند که جنین در این مدت چه ماهیتی دارد و بدیهی است که این ابهام به وضعیت تخمک بارور شده در محیط آزمایشگاه نیز تسری پیدا میکند بنابراین در ادامه به بررسی ماهیت جنین و زمان آغاز شخصیت آن از نظر آیات و روایات می پردازیم .

در خلال آیات متعددی که درباره ی مراحل تکامل جنین انسان وجود دارد^۱، میتوان دودسته بندی از مراحل رشد جنین را مشاهده کرد؛ در یک دسته مراحل تکامل جنین به قبل و بعد از دمیده شدن روح تقسیم شده و در دسته بندی دیگر مراحل پیش از دمیده شدن روح در جنین ذکر شده است. این مراحل به صورت کامل در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره ی مؤمنون آمده است :

<<و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم (۱۲) آنگاه او را نطفه ای در جای استوار قرار دادیم (۱۳) آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن خلقتی دیگرش انشا نمودیم. آفرین بر (قدرت کامل) خدا که بهترین آفرینندگان است (۱۴)>>
همان طور که ملاحظه میشود در این آیات مراحل آفرینش انسان قبل از دمیده شدن روح^[۱] به پنج مرحله تقسیم شده است: آفرینش از خاک، نطفه، علقه، مضغه و عظام؛ اما در این آیات و تفاسیر تنها مراحل مختلف رشد جنین ذکر شده و در مورد ماهیت جنین پیش از ولوج روح مطلبی وجود ندارد. در نتیجه طبیعی است که مباحث مرتبط با آن باید از فحوای روایات صادره استخراج شود. در روایات نیز واژه ی شخصیت حقوقی به کار نرفته است اما شاید بررسی روایات مربوط به سقط جنین و دیه ی آن بهترین ملاک را در این زمینه به ما بدهد؛ چراکه با توجه به باب دیات در فقه، تعلق دیه به یک شیء نشان می دهد که آن شیء لاقلاً بخشی از وجود انسان را تشکیل داده و یا مستقلاً نفس مورد احترامی است؛ و مسلماً زمانی که سقط جنین و یا نطفه قبل و بعد از ولوج روح به طور مطلق ممنوع گردد و برای از بین بردن آن دیه تعیین شود نشان دهنده ی حمایت شارع به این دلیل است که آن را انسان یا بخشی از وجود انسان میدانند که با تعیین ملاک، ماهیت جنین آزمایشگاهی نیز مشخص می شود، به همین جهت در ادامه در دو سر فصل جداگانه با بررسی از بین بردن جنین قبل و بعد از ولوج روح، سعی می کنیم شخصیت جنین را مشخص کنیم .

۱-۲-۱. شخصیت بالقوه ی جنین قبل از ولوج روح

در این قسمت سعی می کنیم با بررسی تعدادی از روایات مربوط به از بین بردن جنین، ماهیت آن پیش از ولوج روح مشخص گردد. در این راستا، ابتدا حرمت از بین بردن جنین در هر مرحله را اثبات کرده و سپس علت دیه ی از بین بردن نطفه، مشخص می گردد و به این سؤال پاسخ داده میشود که آیا دیه ی سقط جنین قبل از ولوج روح به علت انسان بودن آن است یا فلسفه ی دیگری دارد و در نهایت بیان می کنیم، منظور از نطفه ای که از بین بردن آن حرام است چیست و آیا این حرمت شامل جنین آزمایشگاهی نیز می شود .

۱-۲-۱-۱ حرمت از بین بردن نطف

در بین فقها در مورد حرمت سقط جنین حتی قبل ولوج روح اختلاف نظری وجود ندارد^۱. دلیل عمده ی چنین حرمتی روایاتی است که به حد استفاضه و حتی تواتر معنوی رسیده اند آکه در ادامه به آن ها اشاره میشود :



صحیحه ی رفاعه: <<به امام صادق (ع) عرض کردم: کنیزی خریدم که عادت او، به دلیل فساد خون، یا وجود باد در رحم، قطع شده است. از این رو دارویی به وی خورانده می شود که همان روز، خون می بیند. آیا این کار برای من جایز است، درحالی که نمی دانم قطع خون از بارداری است و یا علت دیگری دارد؟ امام فرمود: این کار را نکن. گفتم: عادت وی فقط یک ماه به تأخیر افتاده و بر فرض هم به خاطر حمل باشد، نطفه ای است و از بین بردن نطفه مانند کسی است که با عزل، نطفه را از بین می برد (چطور عزل را جایز می دانید ولی این مورد را جایز نمی شمارید) حضرت می فرمایند: (این مورد با عزل تفاوت دارد چرا که) نطفه هنگامی که در رحم واقع می شود امکان تبدیل به مضغه و سپس به علقه و سپس به آنچه خدا بخواهد، دارد؛ ولی نطفه ای که در غیر رحم واقع شود چیزی خلق نمی شود، پس به آن زن اگر یک ماه حیض او بند آمده و از وقت حیض او گذشته، دارویی ندهید!>>

۲- موثقه ی اسحاق بن عمار: <<به امام رضا (ع) گفتم: زنی از بارداری میترسد آیا جایز است دارویی بخورد و در اثر آن، آنچه در شکم دارد سقط کند؟ فرمودند: نه گفتم: او نطفه ای بیش نیست! فرمودند: ابتدای خلقت و آفرینش انسان نطفه است<>.

روایت سوم روایتی است که دیه ی از بین بردن جنین را در مراحل مختلف بیان میکنند. در این روایت آمده است:

۳- <<از امام علی بن حسین (ع) درباره ی مردی پرسیدم که با پایش به زن حامله ای زده و جنین به صورت مرده سقط شده است. حضرت فرمود: اگر نطفه باشد، بر مرد بیست دینار است. پرسیدم: نطفه کدام است؟ حضرت فرمود: نطفه زمانی که در رحم واقع می شود پس چهل روز در آنجا می ماند. حضرت فرمود: اگر جنین درحالی که علقه است سقط شده، بر او چهل دینار است. پرسیدم: علقه چیست؟ حضرت فرمود: همان است که در رحم قرار می گیرد و هشتاد روز در آن مانده است. حضرت فرمود: و اگر جنین در حالی که مضغه است سقط شده، بر مرد شصت دینار است. گفتم: مضغه تعریفش چیست؟ حضرت فرمود: آن همان است که در رحم قرار می گیرد و صدویست روز در رحم مانده است. حضرت فرمود: و اگر جنین در حالی که انسانی است با جان و آفریده شده و استخوان و گوشت دارد و اعضا و جوارحش مشخص شده است و روح عقل در آن دمیده شده سقط شده، در این صورت بر مرد، دیه ی کامل است...>>.

قطعاً از مجموع این روایت حرمت نطفه و منع از بین بردن آن در هر مرحله ای که باشد فهمیده می شود؛ اما برای این که بفهمیم آیا این حرمت سقط نطفه در هر مرحله و تعلق دیه به آن ما را به شخصیت جنین رهنمون میسازد یا نه در ادامه با توجه به این روایات دو سؤال مطرح کرده و تحت عنوان علت دیه ی از بین بردن جنین به هر یک جواب می دهیم .

۱- از طرفی بیان کردیم وجود دیه برای یک شیء لاقل نشان میدهد که آن شیء یا نفس مورد احترام و یا جزئی از وجود انسان است، سؤالی که پیش می آید این است که آیا دیه برای سقط جنین به این دلیل است که جنین جزئی از بدن زن محسوب میشود و چون به بدن زن آسیبی وارد شده دیه واجب میگردد و یا جنین نفسی مورد احترام و وجودی مستقل و انسانی دارد و تعلق دیه به خاطر از بین بردن نفس مورد احترام است. مسلماً اگر به این نتیجه رسیدیم که جنین جزئی از بدن مادر است، حرمت سقط و تعلق دیه به آن نمی تواند ناشی از شخصیت جنین باشد.

۲- سؤال دوم این است که این چه حیاتی است (برفرض اینکه جنین را موجودی مستقل و نفسی مورد احترام بدانیم) که به آن دیه تعلق گرفته اما دیه ی ثابتی ندارد و با رشد جنین در هر مرحله دیه ی آن نیز زیاد میشود؟

۱-۲-۱. علت دیه ی از بین بردن جنین

از روایات مربوط به ارث دیه ی جنین برمی آید که دیه ی جنین به علت حیات خود جنین است و متعلق به وراثت جنین می باشد .



در روایتی امام صادق (ع)، در مورد مادری که جنین خود را ولو در مرحله ی علقه یا مضغه عمداً اسقاط نموده، فرمودند: <<باید دیه ی جنین را به پدرش بدهد و از ارث، وی محروم است، زیرا مادر وی را کشته است و میدانیم که قاتل از مقتول ارث نمیبرد>>^۱.

مطابق روایت دیه ی از بین بردن جنین در هر مرحله ای که باشد به ورثه ی جنین میرسد و چون قتل مورث توسط وارث از موانع ارث است و در اینجا مادر وارثی است که مورث خود (جنین) را کشته و از ارث محروم است، درحالی که اگر جنین جزئی از بدن مادر بود، وی مجبور به پرداخت دیه نمیشد، چراکه در نتیجه ی سقط به بدن خودش آسیب وارد کرده بود؛ بنابراین این روایت نشان میدهد جنین حتی اگر به حدی نرسیده باشد که روح در آن دمیده شده باشد، باز هویت و وجودی مستقل از بدن مادر دارد و چون برای از بین بردن و صدمه به آن دیه معین شده، دارای حیات است و لزوم دیه بر مراتب جنین از آغاز به جهت فوت شدن مال مادر نیست.

اما این چه حیاتی است که به آن دیه تعلق گرفته اما دیه ی ثابتی ندارد و با رشد جنین در هر مرحله دیه ی آن نیز زیاد می شود؟ یکی از مفسرین در کلام خود به این حیات اشاره کرده و آورده است: <<در آغاز که نطفه منعقد می شود تنها دارای یک نوع ((حیات نباتی))^۱ است، یعنی فقط تغذیه و رشد و نمو دارد، ولی از حس و حرکت که نشانه ی ((حیات حیوانی)) است و هم چنین قوه ی ادراکات که نشانه ی ((حیات انسانی)) است در آن خبری نیست>>^۲. از طرف دیگر، این قضیه را می توان به عنوان یک قانون مسلم علمی مطرح کرد که هر یک از موجودات در مسیر تحولاتی که برای رسیدن به یک هویت سپری می کنند، هراندازه که حرکت بیشتری صورت بگیرد و موجود بتواند به نقطه ای که هویتش در آن بروز خواهد کرد نزدیک تر شود، تعیین و فعلیت او بیشتر و کامل تر می گردد و هراندازه که فاصله ی میان نقطه ی حرکت و نقطه ی هویت بیشتر باشد، به جهت تعدد و تنوع مسیرهای ممکن که در سر راه موجود قرار گرفته تعیین و فعلیت آن ضعیف تر است. در مورد انسان هم مواد اولیه ی تشکیل نطفه تا نطفه و از نطفه به تکون انسانی در رحم زن رسیدن، مسیرهای فراوانی وجود دارد. هراندازه که آن مواد به هویت نطفه نزدیک تر می شوند، انعطاف خود را در مسیرهای متعدد و متنوع دیگر از دست می دهند و در حال نطفه بودن دارای هویتی مشخص و معین می گردد که باید مسیر مخصوصی را سپری کند. در این مسیر نیز همواره در حرکت و تحول است و از هویت های مختلفی (علقه، مضغه، عظام و...) می گذرد و در هر یک دارای موقعیت معینی از نظر طبیعی و انسانی است. این مسیر همان مسیری است که به طور کلی در قرآن مجید به ترتیب در آیات سوره ی مؤمنون آمده است^۳ و قبلاً به آنها اشاره کردیم. پس نطفه از زمانی که حیات نباتی خود را آغاز میکند هر چه به هویت انسانی نزدیک تر میشود، یعنی بیشتر رشد میکند، بیشتر مورد حمایت قرار میگیرد و بالتبع از بین بردن آن دیه ی بیشتری دارد.

جمع بین تعلق دیه به از بین بردن جنین و برخورداری وی از حیات نباتی، ما را به این نتیجه رهنمون می رساند که همین حیات نباتی در جنین دارای حرمت و احترام بسیاری است، به طوری که شارع و بالتبع قانونگذار از زمانی که این حیات آغاز می شود، حقوقی را برای جنین فرض کرده و از بین بردنش را حرام میدانند. چراکه در نظر شرع، انسان به حدی دارای احترام، شأن و کرامت است که موجودی که انسانیتش به فعلیت نرسیده، از این احترام برخوردار است. پس علی رغم اینکه جنین از زمان انعقاد نطفه حیات نباتی دارد، در نتیجه علی الظاهر از شخصیت حقوقی نباید برخوردار باشد ولی با توجه به احکامی که شارع برای آن وضع کرده می توان گفت، شارع جنین را انسان فرض کرده است. پس جنین به تبع دستور شارع نوعی شخصیت تبعی دارد. این شخصیت به حکم شرع ایجاد شده است و در شرایطی هم چون تهدید حیات جان مادر یا عسر و حرج این شخصیت میتواند با هم به حکم شرع منتفی شود. در همین راستا ماده ی ۹۵۷ ق.م بیان میکند: ((حمل از حقوق مدنی متمتع میگردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود)).



در اینجا ممکن است تعارضی به وجود آید، از طرفی بیان کردیم برخورداری نطفه از شخصیت حقوقی از زمان انعقاد نظریه ی صحیحی نیست، چراکه در این صورت سقط آن در هیچ شرایطی مجاز نبود، درحالی که در مواردی سقط جنین مجاز است، بنابر این نطفه از زمان انعقاد دارای شخصیت حقوقی نیست. از طرف دیگر در بررسی های روایی به این نتیجه رسیدیم که حیات نطفه در هر مرحله ای مورد حمایت شارع است و ماده ی ۹۵۷ قانون مدنی هم حمل را در هر مرحله ای که باشد از حقوق مدنی متمتع می داند و معتقد است حمل از اهلیت تمتع برخوردار است و اهلیت تمتع ملاک شخصیت حقوقی است، پس اگر قائل شدیم حمل اهلیت تمتع دارد، از شخصیت حقوقی هم برخوردار است .

در حل این تعارض باید گفت، حمل تا زمانی که به یک انسان تبدیل نشده، انسانی بالقوه است و شخصیت حقوقی بالقوه ای نیز دارد و هنگامی که انسانیت به فعلیت رسید، شخصیت حقوقی هم بالفعل میشود؛ بنابراین ماده ی ۹۵۷ ق.م در مقام بیان همین شخصیت حقوقی بالقوه است و از حیات همین شخصیت بالقوه در روایات حمایت شده است، درحالیکه منظور ما از عدم برخورداری جنین از شخصیت حقوقی از زمان انعقاد نطفه شخصیت حقوقی بالفعل است .

اگر ما این شخصیت حقوقی بالفعل را برای جنین صحیح میدانستیم، زمانی که حیات دو موجود زنده (مادر و جنین) که دارای شخصیت حقوقی بالفعل هستند باهم تعارض پیدا میکرد، نمی توانستیم حیات یکی را بر دیگر ترجیح داده و اجازه ی سقط جنین قبل ولوج روح را در صورت تهدید جان مادر بدهیم، در نتیجه بیان کردیم قائل شدن به شخصیت حقوقی برای جنین از زمان انعقاد نطفه موجب حرمت هرگونه سقط حتی به استناد تهدید حیات مادر میشود؛ اما اگر جنین را دارای شخصیت حقوقی بالقوه بدانیم ضمن حرمت این شخصیت و حیات آن، در تعارض حیات یک شخصیت حقوقی بالقوه (جنین) و بالفعل (مادر) موجودی که دارای حیات و شخصیت بالفعل است اولویت داشته و حیاتش مقدم است .

بنابراین با بررسی روایات مشخص شد که نطفه نفساً دارای احترام و حرمت و شخصیت حقوقی بالقوه یا تبعی است، ولی چون هدف اصلی ما در این مقاله تبیین ماهیت جنین آزمایشگاهی است و جنین آزمایشگاهی هم تخمک بارور شده ای است که تنها مدت کوتاهی پس تشکیل در آزمایشگاه قرار دارد، باید مشخص گردد منظور از نطفه در اینجا چیست و نطفه دقیقاً از چه زمانی و در چه مرحله ای برخوردار از شخصیت بالقوه و مورد حمایت شارع است و آیا این حمایت شامل جنین موجود در خارج رحم نیز می شود یا مختص جنین داخل رحمی است. در این راستا در این قسمت روایاتی که به بیان ماهیت نطفه می پردازند، بررسی میگردد .

۲- معنای نطفه

همان طور که ملاحظه شد، در روایت سوم، امام زینال عابدین (ع) دیه ی جنین را در مراحل مختلف بیان میکنند و به علت سؤال راوی در مورد ماهیت هر مرحله، تعریف مختصری نیز ارائه میدهند. در این روایت هنگامی که امام حد نطفه را بیان می کنند، نکته قابل توجه این است که می فرمایند: ((نطفه زمانی که در رحم واقع می شود پس چهل روز در آنجا مستقر میشود.))

اما جای سؤال است که آیا شرط استقرار در رحم برای حمایت از جنین موضوعیت دارد، به گونه ای که جنین های موجود در آزمایشگاه، مشمول احکام فقهی مترتب بر جنین نمی شوند و یا شرط استقرار در رحم، ناظر به فرد غالب در عصر معصوم است که امکان ایجاد نطفه ی انسانی خارج از رحم وجود نداشته و مهم انعقاد نطفه انسانی و حمایت از آن است، پس جنین آزمایشگاهی که نطفه اش در محیط خارج از رحم منعقد شده، دارای حرمت است؛ بنابراین در ادامه این دو نظر مورد بررسی قرار میگیرد:



۲-۱- نطفه ی مستقر شده در رحم

ممکن است ادعا شود منظور از نطفه ای که حیات آن مورد حمایت شارع است و از بین بردن آن دیه دارد، نطفه ای است که در رحم مستقر شده باشد. از جمله ادله ای که ممکن است برای این ادعا اقامه شود، موارد زیر است:

۱- جنین ماده ای است که از ترکیب اسپرم و تخمک در داخل رحم به وجود آمده است؛ بنابراین آنچه معنای کلمه ی جنین را تأیید میکند مربوط به استتاری است که در نتیجه ی این تعریف محقق شده است (در رحم زن ترکیب اسپرم و تخمک اتفاق افتاده)، همانطور که مجنون کسی است که عقلش پنهان شده و جان به خاطر پنهان بودنش از انظار مردم به این نام خوانده میشود و جنین هم در اصل لغت موجودی است که در رحم مادر بین ظلمات سه گانه پنهان و مستور است؛ بنابراین حرمت تخمک بارور شده به مکان وجود آن مرتبط است و قیمت و حرمت آن زمانی است که در رحم باشد^۱ و جنین خارج از رحم حرمتی ندارد.

۲- حمل، اتصال تخمک بارور شده در بافت رحم است و این مرحله بعد از قرار گرفتن تخمک بارور شده در رحم زوجه، کامل می شود؛ اما قبل از انتقال و اتصال به رحم، حملی وجود ندارد، در نتیجه مجالی برای صحبت از حرمت حملی که به وجود نیامده نیست. به علاوه تا قبل از اتصال احتمال دارد اولین مرتبه ی حیات هم محقق نشود و باید اتصال صورت گیرد تا رشد و نمو حاصل شود^۲ پس نطفه ای که در آزمایشگاه ایجاد شده جنین یا حمل نیست و هرگاه به رحم منتقل و در بافت آن مستقر شد، مشمول حمایت شارع میشود.

۳- فقها در بیان نطفه و ماهیت آن آورده اند: ((نطفه زمانی که در رحم مستقر شود و استعداد رشد و نمو را پیدا کند، دیه اش بیست دینار است و مجرد القا در رحم همراه تحقق استقرار کفایت میکند))^۱ و یا این که تصریح کرده اند: ((احکام نطفه مربوط به زمانی است که نطفه در رحم مستقر شود و مبدأ رشد انسانی باشد))^۲.

در نتیجه فقها بیست دینار دیه را برای نطفه ی مستقر در رحم ثابت می دانند^۳ و آن را به مشهور فقها نسبت می دهند^۴.

قطعاً آوردن این قید توسط اکثر فقها نشان از آن دارد که این قید در کلام معصوم آمده است، چنانچه در مباحث قبلی به یکی از این روایات اشاره شد. در همین راستا باید گفت عبارت ((هنگامی که در رحم مستقر میشود))^۵ شرطی است که معصوم به آن اشاره کرده است و نمی توان مفهوم مخالف این شرط را نادیده گرفت.

بنابراین استقرار در رحم موضوعیت دارد و منظور از نطفه در روایات زمانی است که نطفه ی منعقد شده در رحم استقرار یابد و از این زمان است که شخصیت حقوقی بالقوه آغاز میشود. پس جنین آزمایشگاهی مادام که در محیط آزمایشگاه است چون شرط استقرار در رحم را ندارد پس شخصیت حقوقی هم ندارد.

۲-۲- نطفه ی منعقد شده

ممکن است بیان شود منظور از واژه ی نطفه در روایات نطفه ای است که منعقد شده و نطفه از زمان انعقاد، مورد حمایت قرار گرفته است و فرقی نمیکند این نطفه داخل یا خارج رحم باشد. مهمترین دلیلی که برای دفاع از این دیدگاه وجود دارد توجه به روایات زیر است:

۳- موثقه ی اسحاق ابن عمار

در این روایت که متن آن در صفحات قبل ذکر شد، قول امام (ع) در مقام بیان حرمت سقط نطفه است و صراحت دارد در این که اسقاط مبدأ خلقت انسان حرام است، پس بر حرمت سقط جنین در هر مرحله ای که باشد دلالت دارد^۱ و نمی توان نسبت به اطلاق حدیث بی تفاوت بود و آن را مقید کرد به نطفه ای که در رحم مستقر شده است.



۴- حدیث رفاعه

در این حدیث سؤال از زنی بود که عادت وی یک ماه به تأخیر افتاده بود و نمی دانست تَبَيَّنَ عَلَتِ اَنَّ به خاطر بیماری است یا حمل، بنابراین در اینجا نیز احتمال بارداری وجود دارد و شک در وجود یا عدم وجود حمل است ولی امام خوردن دارویی را که موجب از بین رفتن نطفه ی احتمالی میشود منع میکنند. چراکه نطفه هنگامی که در رحم واقع می شود امکان تبدیل به مضغه و سپس به علقه و سپس به اَنچه خدا بخواهد، دارد؛ ولی نطفه ای که در غیر رحم واقع شود چیزی از او خلق نمی شود .

این روایت در بردارنده ی نکاتی است که نشان می دهد نطفه از زمان انعقاد دارای حرمت است، از جمله :
الف- بر حرمت نوشیدن دارو برای دیدن خون حیض دلالت میکند، اَنَّ هم زمانی که احتمال بارداری وجود دارد، پس حدیث بر وجوب احتیاط و عدم اجرای قاعده ی استصحاب عدم حمل دلالت میکند و این توجه زیاد شارع به نطفه را نشان می دهد، به طوری که هنگام شک و احتمال در وجود نطفه، احتیاط واجب میگردد^۴. طبق روایت امام اسقاط نطفه ای را که وجودش احتمالی است منع کرده اند، پس چه طور ممکن است از نطفه ای که وجودش قطعی است ولی در رحم استقرار نیافته، حمایت نشده باشد؛ بنابراین نطفه به طور مطلق (خواه در رحم مستقر شده، خواه مستقر نشده باشد) مورد حمایت بوده و از بین بردن اَنَّ حرام است .

ب- نکته ی دیگر این است که در این روایت بین نطفه قبل از وقوع در رحم و نطفه پس از وقوع در رحم فرق قائل شده است و از نحوه ی پاسخ امام (ع) فهمیده می شود که اتلاف نطفه با عزل جایز است، چراکه نطفه پس از وقوع در رحم مبداء^۵ انسان است، ولی قبل از اَنَّ هنوز چنین مبدئیتی نیافته است^۱. تعلیلی که در این روایت در مورد فرق میان عزل و از بین بردن نطفه آمده، اقتضا میکند که حرمت اتلاف نطفه مخصوص موردی است که نطفه مرتبه ای از قابلیت انسان شدن را طی کرده باشد و هنگامی که اسپرم مرد در رحم با تخمک زن ترکیب و منعقد شد، اَنگاه قابلیت لازم برای تبدیل شدن به انسان را پیدا میکنند^۲ پس اتلاف اَنَّ حرام است .

۵- نقد و بررسی ادله

به نظر می رسد دیدگاه اَنغاز شخصیت بالقوه ی جنین از زمان استقرار در رحم ایراداتی دارد، از جمله :
یکی از ادله ای که طرفداران این دیدگاه برای اثبات ادعای خود به اَنَّ تمسک کرده- اند، معنای لغوی جنین یعنی استتار در رحم است، درحالی که ممکن است انتخاب واژه ی جنین به معنای موجودی که در رحم مستتر شده، از اَنَّ جهت باشد که در اَنَّ عصر فرد دیگری برای اَنَّ قابل تصور نبوده است. به علاوه ادعای عدم رشد و نمو تخمک بارور شده قبل از نفوذ در بافت و جداره ی رحم، صحیح نیست، چراکه از زمان انعقاد، نطفه شروع به تقسیم و رشد سلولی کرده و همزمان با تکثیر سلولی در لوله های رحمی و به سمت رحم حرکت میکنند، بنابراین نطفه قبل از نفوذ در بافت رحم و استقرار رشد و نمو دارد؛ بنابراین حتی اگر قول اَنها را بپذیریم که حمل، اتصال تخمک بارور شده در بافت رحم است، در نتیجه نتوان در این زمان از حرمت و شأن حمل صحبت کرد، ولی می توان به حرمت نطفه ی منعقد شده قائل شد .

به علاوه، اگر چه در فقه عبارت نطفه ی مستقر شده مشاهده می شود، اما همانطور که قبلاً اشاره شد فقها در کنار استقرار در رحم، از استعداد رشد و نمو و مبداء^۶ و اَنغاز انسان شدن نام برده اند. پس ملاک این است که موجود زنده ای در گذرگاه حیات انسانی در حال حرکت باشد و استعداد رشد و نمو را داشته باشد، این از با اهمیت ترین دلایل احترام و حیثیت جان آدمی است؛ بنابراین در این روایت به طور کلی نطفه پس از انعقاد دارای حرمت و احترام است، به طوریکه به استناد شک در بارداری نمیتوان شرایطی را فراهم کرد که اگر نطفه ای منعقد شده، از بین برود. پس با توجه به این ادله و احترام نطفه از زمان انعقاد، جنین اَنزمایشگاهی نیز از زمان انعقاد نطفه از این احترام و حرمت برخوردار است .



البته بعضی از فقها هم به صراحت دیه ی نطفه را بیست دینار میدانند و به شرط استقرار در رحم هم اشاره ای نکرده اند.^۳

توجه به این نکات ناقص بودن ادله ی قائلین به اَغاز شخصیت بالقوه ی جنین از زمان استقرار در رحم، مشخص می شود. درحالی که اَغاز شخصیت بالقوه ی جنین از زمان انعقاد نطفه، ملاک را توجه به اطلاق روایات و مفاهیم برداشته شده از اَن قرار داده و برای نطفه از زمان انعقاد احترام قائل شده اند و ایرادی از این جهت به ادله ی اَنها وارد نیست؛ بنابر این میتوان گفت نطفه از زمان انعقاد دارای حرمت و احترام و برخوردار از شخصیت حقوقی بالقوه است .

بر اساس این نتیجه، می توان این حکم را در مورد تخمک بارور شده در محیط اَزمایشگاه نیز تسری داد، زیرا :
 ۱. اسپرم بعد از تلقیح با تخمک در لوله ی اَزمایشگاه دارای همان قابلیت است که نطفه بعد از انعقاد در رحم دارد؛
 ۲. با توجه به روایات، تخمک بارور شده در بدن زن، از زمان ترکیب اسپرم و تخمک ذاتاً دارای حرمت است و زمانی که حرمت از زمان تلقیح باشد، فرقی ندارد این تلقیح داخل رحم یا خارج اَن اتفاق افتاده باشد و مکان نطفه ی بارور شده در احکام مربوط به حرمت و عدم حرمت اثری ندارد،

بنابراین جنین و بالتبع جنین اَزمایشگاهی از زمان انعقاد تا ولوج روح (چراکه بررسی های ما در این قسمت تا قبل از ولوج روح بود) دارای شخصیت حقوقی بالقوه است .

۵-۱. شخصیت بالفعل جنین بعد از ولوج روح

مبنای ما در بررسی شخصیت جنین بعد از ولوج روح اَیه ی ۱۴ سوره ی مؤمنون است که در اَن ضمن بیان مراحل قبل از ولوج روح به خلقت و اَفرینشی خاص اشاره شده است. خداوند در این اَیه میفرماید: ((اَنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز اَن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از اَن خلقتی دیگرش انشا نمودیم. اَفرین بر (قدرت کامل) خدا که بهترین اَفرینندگان است.))
 در اَیه ی فوق برای بیان اَفرینش جنین قبل از ولوج روح، همه جا تعبیر به خلق شده، اما هنگامی که به اَخرین مرحله می رسد از تعبیر انشاء استفاده شده است. این تغییر سیاق از خلقت، به انشا به خاطر اَن است که دلالت کند بر اینکه اَنچه در این مرحله به وجود اَآمده چیز دیگری و حقیقت دیگری است غیر از اَنچه در مراحل قبلی بود. خداوند در انشاء اخیر، جنین را صاحب حیات و قدرت و علم کرد و به او جوهره ی ذاتی داد که نسخه ی اَن در مراحل قبلی یعنی در نطفه و علقه و مضغه و عظام پوشیده به لحم نبود، پس در مرحله ی اخیر چیزی به وجود اَآمده که کاملاً مسبوق به عدم بود یعنی هیچ سابقه ای نداشت پس این همان مرحله ای است که جنین وارد مرحله ی حیات انسانی می شود، حس و حرکت پیدا می کند و به جنبش درمی اَید که در روایات اسلامی از اَن تعبیر به مرحله ی نفخ روح (دمیدن روح در کالبد) شده است.^۴

از این مرحله در روایات نیز با الفاظ خاصی یاد شده است که به یک نمونه از اَنها اشاره میکنیم. در روایتی امام صادق (ع) دیه ی مراحل مختلف جنین را از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل میکنند^۵ تا اینکه این عبارت را می فرمایند: ((چون اَفرینش جدیدی در اَن (جنین) ایجاد شد که همان روح است، پس او در این هنگام یک انسان است که دیه ی اَن هزار دینار کامل است اگر پسر باشد و اگر دختر باشد، پس دیه اش پانصد دینار است .«

در این روایت امام پس از بیان دیه ی جنین قبل از ولوج روح در مراحل نطفه، علقه، مضغه، عظام و پوشش گوشت، از اَفرینشی جدید در یکی از مراحل رشد جنین نام برده اند و اَن را همان روح میدانند. مشابه این عبارت در اَیه ی ۱۴ سوره ی مؤمنون هم وجود داشت که در اینجا معصوم به صراحت اَن را به روح تفسیر کرده اند و فرموده اند که پس از این اَفرینش جدید که برخوردار از جنین از روح است، او یک انسان محسوب میشود و به همین علت سقط اَن موجب دیه ی کامل است .



بنابر این در صورتی که پیشرفت علم و دانش به حدی رسد که بتوان جنین را تا مرحله ی ولوج روح در آزمایشگاه پرورش داد، با توجه به روایات باید دانست بعد از ولوج روح قطعاً جنین دارای شخصیت حقوقی است و دیگر مجال تردید نخواهد بود که جنین داخل رحم است یا خارج آن، چراکه آیات و روایات صادره در این باب اطلاق دارد .
در نتیجه شخصیت و حقوق بالقوه ی جنین از زمان انعقاد نطفه با ولوج روح بالفعل می شود، لیکن همان طور که گفته شده شخصیت جنین متزلزل است و هنگامی مستقر و پایدار میشود که زنده به دنیا آید اگرچه بعد از تولد بمیرد^۲. منتها این شرط (زنده متولد شدن) به گذشته نیز اثر دارد و به جنین از تاریخ انعقاد نطفه اهلیت اعطا میکند و حقوق جنین از آن زمان بالفعل میشود. این نکته از لحن ماده ی ۹۵۷ قانون مدنی که تمتع حمل از حقوق مدنی را مشروط به زنده متولد شدن او میداند، قابل فهم است و نشان میدهد زنده متولد شدن به گذشته (دوران حمل) سرایت کرده است^۳.

۶- فروض بارداری غیرطبیعی

فروض و شیوه های بارداری غیرطبیعی از لحاظ پزشکی متفاوت اند (صالحی، ۱۳۹۲: ۱) که در این خصوص می توان بارداری برای دیگری^۱، انتقال اسپرم شوهر به رحم زن ثالث^۲، انتقال جنین (اسپرم و تخمک تلقیح شده دیگران) به رحم همسر^۳، تحویل یا خرید تخمک یا اسپرم^۴ را نام برد. مطالعه تطبیقی در خصوص این فروض بارداری نشان می دهد که حقوق کشورها قاعده ی یکسانی نسبت به کمک های پزشکی در باروری و در نتیجه بارداری برای دیگری ندارند. در یک نگاه کلی میتوان از لحاظ قوانین، کشورها را به سه دسته کشورهای منع کننده، مجاز و کشورهایی که قانون ساکت است، تقسیم کرد که در ذیل آنها را نام می بریم .

۶-۱. کشورهای منع کننده

در برخی کشورها همانند فرانسه، سوئیس، آلمان و کبک، کمک های پزشکی برای بارداری مقید و محدود و زایمان و بارداری برای دیگری قانوناً به طور مطلق منع شده است .

۶-۲. حقوق کشورهای مجاز

برخی کشورها همانند ایالات متحده آمریکا (بسیاری از ایالات)، انگلستان، آرژانتین، آفریقای جنوبی، استرالیا (اکثر قسمتها)، برزیل، گرجستان، یونان، روسیه، رومانی، قانون کم و بیش بارداری برای دیگری را مجاز دانسته اند .

۶-۳. حقوق کشورهای فاقد قانون

در حقوق برخی کشورها، قانونی به منظور بارداری برای دیگری یا کمک های پزشکی برای درمان ناباروری وجود ندارد، اما در عمل شیوه های وجود دارد که رویه قضایی حسب مورد در جهت تجویز یا منع تصمیم گیری کرده است. برای مثال، می توان به کشور هند و برخی ایالات در آمریکا^۱ و ... اشاره کرد که در اینجا به طور نمونه کشور هند را مطالعه میکنیم. در هند قانونی مربوط به بارداری برای دیگری وجود ندارد (۲۰۰۸: ۱) Schulz Sandra, اما در عمل این روش وجود دارد و کلینیک های پزشکی به منزله واسطه مادران جانشین را براساس معیار زیبایی، سن، اطاعت و فرمانبرداری و نیازهای مالی و اقتصادی به منظور بارداری برای دیگری استخدام میکنند. مادر جانشین در صورت شوهردار بودن، باید رضایت شوهر را نیز اخذ کند. او یک قرارداد کار امضا میکند و هیچ نسخه ای از این قرارداد یا کپی اش به وی تحویل نمیشود. مزد مادر جانشین به وزن طفل بستگی دارد. او به مدت ۹ ماه به طور جمعی به وسیله کلینیک در جایی ساکن میشود و متعهد است کلیه دستورات مربوط به تغذیه، تردد و ... را که پزشک یا والدین سفارش دهنده به او می دهند رعایت کند. او باید در هفته های اول تولد بنا به تقاضای والدین سفارش دهنده به بچه شیر بدهد و از بچه مراقبت کند. در این مدت مادر هیچ اختیاری در



تصمیم گیری برای کنترل بچه ندارد. Sharavan, 2010: 2; Ibid. دادگاه ها نیز به صورت موردی به دعوی رسیدگی می کنند. برای مثال، در پرونده Manji زوجین ژاپنی به هند آمدند و با خانمی هندی برای بارداری قرارداد منعقد کردند، اما بعد از بارداری، زوجین ژاپنی از هم طلاق گرفتند و از پذیرش طفل خودداری کردند و مادر جانسین نیز مسئولیت نگهداری طفل را به منزله مادر ژنتیکی رد کرد. در نتیجه یک مشکل در نسب طفل مطرح شد. مادر پدر ژنتیکی (مادر بزرگ پدری ژنتیکی) به هند آمد و خواست طفل را با خود به ژاپن ببرد. مطابق حقوق ژاپن طفل از طریق مادر شناخته نمی شود بنابراین، ورود طفل به ژاپن مستلزم اخذ پاسپورت هندی و مطابق حقوق هند پاسپورت بچه به مادرش مربوط بود. در نهایت دیوانعالی هند تقاضای مادر بزرگ پدری ژنتیکی که ژاپنی بود را پذیرفت و تصمیم گرفت برای طفل شناسنامه هندی صادر کند تا او بتواند همراه مادر بزرگ پدری به ژاپن مسافرت کند ۱: Malhotr. ۲۰۰۹، ۲

۷- جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی در حقوق ایران

درباره ی امکان جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی، همانند سقط جنین طبیعی، در حقوق کیفری ایران، دیدگاه های مختلفی وجود دارد:

۷-۱. دیدگاه عدم امکان جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی

عده ای اعتقاد دارند که سقط جنین آزمایشگاهی، جرم نیست و برای اثبات دیدگاه خود، دلایل زیر را بیان می کنند:

- ۱- گسترش دایره ی شمول جرم، با اصول قانونگذاری، مانند: اصل جرم انگاری حداقلی، مغایر است؛ و جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی، مصداق گسترش دامنه ی جرم انگاری است که جامعه ی پیشرفته ی امروز، عدم آن را اقتضاء دارد و از این رو، از جرم انگاری بسیاری از اعمال، هرچند غیر اخلاقی خودداری میکند و واکنشهای غیر کیفری را برای مقابله با آنها برمیگزیند.
- ۲- جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی، مانع رشد علمی در حوزه ی درمان ناباروری از طریق جنین آزمایشگاهی است؛ چه اینکه ترس از مجازات، باعث میگردد، محققان، رغبت و انگیزه ی خود را نسبت به پژوهش در این زمینه از دست دهند و البته، چنین چیزی، نه به نفع رشد علمی کشور است و نه موجب بهره مندی جامعه از دستاوردهای علمی است.
- ۳- توجه، اهتمام و حمایت از تولید مثل به روش جنین آزمایشگاهی، باعث از دست رفتن حرمت زن و ارزش مادری و در نتیجه، بی توجهی به ازدواج و هدف زناشویی است و این امر، مغایر با اصول اخلاقی، انسانی و اسلامی است؛ از این رو، محملی برای سخن از جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی وجود ندارد.
- ۴- میان جنین داخل رحم و جنین آزمایشگاهی تفاوت های آشکاری وجود دارد که خود، باعث تفاوت آنان از نظر حقوقی است و از جمله ی این تفاوت ها، جرم انگاری سقط جنین طبیعی و عدم جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی است.
- ۵- از نظر علمی، لقاح اسپرم مرد و تخمک زن، دارای فرآیندی است و همواره، این احتمال، وجود دارد که در پی لقاح، نطفه تکامل نیابد و در نهایت، به یک انسان تبدیل نشود و البته، فرض امکان جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی، به انتفای احتمال مذکور، منوط است.
- ۶- چون جنین آزمایشگاهی دارای روح نیست، لذا جنین به شمار نمی آید و تنها، موجودی آزمایشگاهی است که صرفاً، بر روی آن، آزمایش انجام میشود و از این رو، میتوان پس از اتمام دوره آزمایش آن را از بین برد (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۸، ۳۰۲)

۷-۲. دیدگاه امکان جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی

عدهای دیگر معتقد هستند که میتوان سقط جنین آزمایشگاهی را همانند سقط جنین طبیعی، جرم تلقی کرد؛ اینان دلایل اثبات دیدگاه خود را به شرح زیر و در قالب پاسخ به استدلال مخالفان جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی، بیان میدارند:

- ۱- جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی، خلاف اصول قانونگذاری و مغایر اصل جرم انگاری حداقلی نیست؛ زیرا دایره ی شمول



جرم را گسترش نمی دهد، بلکه از حقوق کسانی دفاع و حمایت میکند که توانایی دفاع از حق خود را ندارند (روحانی، 80، 1376).

۲- رشد علمی و پیشرفت جامعه و پدیدار شدن پدیده‌های نوی علمی و اجتماعی، سبب به وجود آمدن گزاره‌های جدید حقوقی است که خود، به حمایت و ضمانت، نیازمند هستند؛ چه اینکه بقاء این پدیده‌های نو پیدا و امتداد رشد علمی و پیشرفت جامعه، به آن حمایتها و ضمانتها وابسته است و درمان ناباروری به روش جنین آزمایشگاهی، در زمره‌ی این پدیده‌های نو پیدا و از مصادیق رشد علمی است؛ از این رو، دفاع از حقوق جنین آزمایشگاهی و جرم انگاری سقط آن، نه تنها، مانع رشد علمی و پیشرفت جامعه نمیشود، بلکه خود، نشانه‌ی پویایی جامعه‌ی علمی است.

۳- منظور از جنین آزمایشگاهی، جنینی است که همانند جنین طبیعی، از یک پدر و مادر و یک اسپرم و تخمک مشخص، به وجود می آید و فقط، از لحاظ شرایط لقاح، با جنین طبیعی متفاوت است؛ از این رو، جنین آزمایشگاهی، صرفاً یک موجود آزمایشگاهی نیست، بلکه جنینی متعلق به پدر و مادری مشخص است که به جهت وجود مشکل در باروری و فرزندآوری طبیعی، با رعایت شرایط مقرر در شرع مقدس اسلام، به فرزندآوری به روش جنین آزمایشگاهی، تصمیم میگیرند و بی شک، حیات جنین جنینی، مستلزم حمایت حقوقی و کیفری و سقط آن، مستلزم جرم انگاری است.

۴- هر چند جنین طبیعی و جنین آزمایشگاهی، در برخی از جهات، متفاوت هستند، ولی از مهمترین ویژگیهای مشترک جنین آزمایشگاهی و جنین طبیعی داخل رحم، یکسانی در سیر تکاملی و دارابودن روح است و این امر، خود، اشتراک آن دو را در جرم انگاری سقط، در پی دارد.

۵- زمان باروری از زمان انعقاد نطفه است و از این جهت، فرقی بین جنین آزمایشگاهی و جنین طبیعی داخل رحم نیست. هم علم پزشکی و هم فقه اسلامی، حیات جنین را از لحظه‌ی لقاح میدانند و از جهات حمایتی، دارای حکمی واحد می‌شمارند و از این رو، در صورت سقط هر یک، جانی، به پرداخت دیه، محکوم است.

۶- جنین آزمایشگاهی در شرایط خاصی به وجود می‌آید و تنها، برای زوجینی تجویز میشود و اجازه‌ی آن، صادر میگردد که از طریق طبیعی و عادی به باروری و فرزندآوری قادر نیستند و از طرفی دیگر، در روایات، عنوان جنینی که مورد حمایت است، به صورت مطلق بیان شده است و این اطلاق هر دو گونه‌ی جنین طبیعی و آزمایشگاهی را در برمیگیرد.

افزون بر این، احتمال تبدیل شدن جنین آزمایشگاهی همچون جنین طبیعی، در آینده، به یک خلقت کامل و دارای حیات انسانی، برابر است و از این رو، فرقی بین جنین طبیعی داخل رحم و جنین آزمایشگاهی وجود ندارد و مستفاد از روایات نیز است که جنین بما هو جنین، موضوع حمایت شرعی و حقوقی است که در نتیجه، حمایت از جنین آزمایشگاهی و جرم انگاری سقط آن را نیز در برمیگیرد (گلباغی ماسوله، 1399، 135).

نتیجه گیری

جنین آزمایشگاهی مانند جنین طبیعی از زمان انعقاد نطفه دارای شخصیت حقوقی بالقوه است. اگر پیشرفت علم و دانش به حدی رسد که جنین بتواند تا مرحله‌ی ولوج روح در محیط آزمایشگاه رشد کند هیچ تفاوتی بین او و جنین طبیعی وجود ندارد و مانند جنین طبیعی شخصیت بالفعل خود را به دست می‌آورد و می تواند به یک انسان کامل تبدیل شود، گرچه زنده متولد شدن همه جنین های استقرار یافته شرط تمتع آنها از تمام حقوق مدنی محسوب میشود .

منابع

۱. اصف محسنی، محمد، (۱۴۲۴ ه.ق)، الفقه و مسایل طبیه، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، ص ۵۹
۲. امامی، سید حسن، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامیه. ص ۱۶۶



۳. امّلی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰ ه.ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۵، مؤلف، تهران، ص ۲۴۰؛ مجلسی دوم، مرآة العقول فی شرح اُخبار اَل الرسول، ج ۲۴، ص ۱۵۵
۴. انصاری شیرازی، قدرت الله و دیگران، (۱۴۲۹ ه.ق)، موسوعة اُحکام الأطفال و اُدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۳۵
۵. بیگی جمال، امکان سنجی جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی در حقوق کیفری ایران، آموزه های فقه و حقوق جزاء، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، صص ۳۰، ۳۱، ۳۲.
۶. تقی پور، بهرام - (تجارت جنین در حقوق داخلی و بین المللی) صص ۶۱۱-۶۱۵-۶۱۹
۷. جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۴۱۹ ه.ق)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه ی منشورات کرامت صص ۲۴۸-۲۴۷
۸. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ ه.ق)، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۵، قم: مؤسسه ی دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۹۴
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل الشیعة، ج ۲۹، قم: مؤسسه ی اَللابیتعلیهم السلام، ص ۲۶؛ ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ص ۱۷۱
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، اِرشاد الأذهان اِلی اُحکام الايمان، (۱۴۱۰ ه.ق)، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ص ۲۳۴.
۱۱. سوره ی حج اَیه ی ۵ - سوره ی مؤمنون اَیه ی ۱۴ - سوره ی حجر اَیه ی ۲۹، سوره ی ص اَیه ی ۷۲ و ...
۱۲. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۱۹ ه.ق)، کتاب نکاح، ج ۴، قم: مؤسسه ی پژوهشی راُی پرداز، ص ۱۳۶۱
۱۳. صفایی و قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ص ۴۰
۱۴. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۵)، اشخاص و محجورین، تهران: سمت، صص ۶-۷
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، صص ۲۵-۲۶
۱۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ه.ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (محشی-کلانتر)، ج ۱۰، قم: کتابفروشی دآوری، ص ۲۸۹؛ مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ ه.ق)، مرآة العقول فی شرح اُخبار اَل الرسول، ج ۲۴، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ص ۱۵۵.
۱۷. عاملی، شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ مجلسی دوم، مرآة العقول فی شرح اُخبار اَل الرسول، ج ۲۴.
۱۸. قاسمزاده، سید مرتضی صنعتگر، فاطمه (ماهیت حقوقی جنین از زمایشگاهی) صص ۱۰۴ الی ۱۲۲
۱۹. قائنی، محمد، (۱۳۸۸)، <<سقط جنین از منظر فقه>>، مجموعه مقالات بررسی سقط جنین از منظر پزشکی، حقوقی، فقهی، اخلاقی. صص ۳۹۴-۳۹۵
۲۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ص ۱۰۸
۲۱. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۴۴؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۸۷
۲۲. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ه.ق) تهذیب الأحکام، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ص ۲۸۲؛ عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالک الأفهام اِلی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۵، قم: مؤسسه ی المعارف الاسلامیة، ص ۴۷۸؛ نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ه.ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۳، بیروت: دار اِحیاء التراث العربی، ص ۳۷۰
۲۳. کلینی، الکافی، ج ۷، صص ۳۴۳-۳۴۲؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۸۵



۲۴. المرسی زهره، محمد، (۱۹۹۲-۱۹۹۳م)، الانجاب الصناعي، احكامه القانونیه و حدوده الشرعیة، كویت: انتشارات جامعه الكویت، ص ۱۰۱
۲۵. المرسی زهره، محمد، الانجاب الصناعي، احكامه القانونیه و حدوده الشرعیة، ص ۱۰۲
۲۶. مكارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه. ص ۱۲۷
۲۷. مكارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۲
۲۸. مؤمن قمی، کلمات سدیة فی مسایل جدیدة، ص ۷۰
۲۹. مؤمن قمی، کلمات سدیة فی مسایل جدیدة، ص ۷۱
۳۰. مؤمن قمی، محمد، (۱۴۱۵ ه.ق)، کلمات سدیة فی مسایل جدیدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم. ص ۷۲



Rights of Laboratory Embryos

Saeed Siddique

M.A Student in Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
123z456a78@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: One of the important issues that has appeared in medicine in recent decades and has led to many legal and ethical discussions is the production of laboratory embryos. Laboratory embryos are used for the fertility of infertile couples, but in each period of fertility, surplus embryos are needed by couples, which, in addition to the possibility of keeping them frozen, can be used for research, treatment, and fertility of other infertile couples and used to buy and sell.

Research Method: The research method in this study is descriptive and analytical.

Findings & Conclusion: The legal status of laboratory embryos and the absence of a codified law regarding their production, maintenance and use have created challenges and uncertainties in this field, and it is feared that these embryos will be used for trade and financial gain is used and until the legal status of the embryo from a laboratory is determined precisely by the legislator, no decision can be made about it. For this reason, this issue has been investigated in this article, and based on the verses and traditions of the new theory, the potential personality or secondary personality of the embryo has been proven even in the laboratory environment from the time of sperm coagulation.

Key words: Embryo, Laboratory Embryo, Embryo Personality, Soul Growth, Embryo Business, Sperm & Egg